

یادی از مردان بزرگ

ما این مضمون را که مطبوعات عربی تحت عنوان «تخلید الذکر رجالنا» برای زنده نگاهداشتن ذکر رجال خود بکار میبرند از آنجا اقتباس میکنیم و این رویه را بمنظور حق شناسی و قدردانی کتبی از مردان بزرگ کشور دنبال مینمائیم. بفرموده علی علیه السلام «ما کتب قروما لفظقر» یعنی نوشته برقرار و گفته فرار است، عبارت لاتینی هم همین مفهوم دارد.

Scripta manent verba volant

یعنی نوشته می ماند گفته در گذراست.

اگر نیم قرن بعقب برگردیم در بین رجالی که از صدر مشروطیت تا کنون شهرت بسزائی داشته اند ماسه تن از جامع ترین و کامل ترین آنها را که افتخار ابدی کسب کرده و مورد ستایش عموم میباشند اختیار مینمائیم و شمه از شرح خصائل ایشان برشته نگارش میآوریم و امیدواریم جوانان این عهد سعی و جهد نمایند که برای اکتساب آن مکارم از پند خواجه عبدالله انصاری:

روزان و شبان بگرد مردان میگردد / مردی گردی چو گرد مردی گردی
تبعیت نمایند.

نگارنده در طول ایام فتنه انگیز جنگ اول بین الملل با آن سه سیاستمدار مستوفی الممالک، مشیر الدوله و مؤتمن الملک در تماس دائم بوده و نظر به عضویت سفارت امپراطوری آلمان در هر هفته چندین مرتبه بدیدار هریک از آنها نائل میشد، در مسائل مهم سیاسی اعم از داخلی و خارجی به مذاکره می پرداخت و بدینوسیله بیش از هر کس به افکار و شخصیت آنان پی برده میتواند بخود اجازه دهد تصویر حقیقی آن بزرگان را در نظر خوانندگان مجسم سازد.

صفات مشترك آنها : درستی ، وطن پرستی ، آزادی خواهی ، احترام به افکار عمومی و مقاومت در برابر قدرت بود . آنها با فقدان جمیع وسائل با نداشتن زردترازو و زور در بازو ایران را در عرصه سوانح و در معرض خطر مرگبار زمانه ازورطه هلاک نجات دادند و از صمیم قلب معتقد بودند :

دل دوستان جمع بهتر که گنج خزینه تهی به که مردم به رنج آنها در مقابل دیپلماتهای خارجی «عقده حقارت» نداشته و درستی قضاوتشان در امور بین الملل از سفراء دول معظمه کمتر نبود در صورتیکه غالب رجال ایران در برابر اجانب خاصه مأموران انگلیسی خود را نادان و غافل و بیگانگان را عالم به کل علوم میدانند و دیپلوماسی را یکتوع سحر و افسون میبندارند . آنها در صدارت ، در وزارت ، در ریاست و حتی در بیکاری جز پرستش وطن و عشق با آزادی اندیشه در سرنمی پروراندند و بدین واسطه نام نیکشان هیچگاه از خاطر خواص و عوام محو نمیشود .

چنانچه بخواهیم آن سه رادمرد را در کفه سنجش با اکثر کسانی که بعداً بر سر کار آمدند قرار دهیم وجودشان در حکم الماسی در پلاسی ، آفتابی در منجلابی ، گلی در گلخنی و ماهی در چاهی بشمار میآید :

اینک خصوصیات مشخصه هر یک را جداگانه برمی شماریم :

۱ - میرزا حسنخان مستوفی (مستوفی الممالک) دارای هوشی سرشار عقل و ادراک عمیق و نظر صائب و سریع در روابط بین دول بود که علاوه بر استعداد فطری از تجربیات اکتسابی در طول عمر سیاسی سرچشمه میگرفت . توانائی مخصوص در جلب محبت و احترام عموم داشته و با متانت بی نظیر خویش لقب «آقای مطلق» را استحقاقاً گرفته با چنین مقام اشرافیت نفرت شدیدی از رژیم دیکتاتوری نظیر احساسات ضد استبدادی (لرد پالمرستون) معروف داشت . در موقع مهاجرت تصمیم به تغییر پایتخت گرفت و در برابر تهدید هجوم قزاقان تزاری به تهران چون کوهی آهنین ایستاد و سر تسلیم در مقابل مرتجعین داخلی و مهاجمین خارجی فرود نیاورد . سفرای دول را مانند انگشتری بگردانگشت خویش میچرخانید چنانکه روزی برای رهائی ازش (کارستاونس) وزیر مختار روس و (والتر تونلی) وزیر مختار انگلیس چنان آن دو را بر علیه یکدیگر برانگیخت که روابطشان مقطوع و هر دو از جانب ممالک متبوعه خود احضار و به مأموریتشان پایان داده شد .

هنرمندی مستوفی الممالک مخصوصاً از این حیث مورد حیرت و اعجاب

واقع میشد که در بین معاشران او نادان‌ترین و ارتجاعی‌ترین عناصر و همچنین افراد تندرو مانند سلیمان میرزا و اردبیلی و حتی انقلابیون افراطی مثل میرزا کوچک خان جنگلی و احسان‌الله خان تروریست مشهور وجود داشتند .

بخاطر می‌آورم در یکی از ملاقاتها دو عنصر متضاد را در کنار او دیدم ، باسردار ظفر بختیاری از اسب و تازی و تفنگ و بازشکاری صحبت میکرد و از سید جلال‌الدین تهرانی استفاده ریاضی و فیزیکی مینمود و هر دو به يك اندازه او را دوست میداشتند این دوستی ها بعد از فوت او هم باقی و پایدار ماند چنانکه در قبری که برای وی حفر کرده بودند صولت‌الدوله قشقایی خوابید و بزور از آن گودال بیرونش کشیدند . در مرثیه وی یکی از ادباء عصر گفت اگر روزی خبر دهند که خورشید از آسمان ناپدید شده بهمان اندازه وحشت انگیز خواهد بود که بشنویم مستوفی از دنیا رخت بر بسته است .

۲ - میرزا حسن خان پیرنیا مشیرالدوله دانشمند حقوق‌دان و متخصص در قانون وقضا ، دیپلمات روشن بین و مال اندیش ، دارای ذوق تشکیلاتی و قدرت کار مستمر و ثابت مزوج به حزم و احتیاط بود بر امیال خویش تسلط کامل داشت و در برابر مصائب عظیم خونسردی نشان میداد و با سرانگشت تدبیر نقشه نمایندگان اجانب را خنثی میکرد . علاوه بر احترام به قوانین پابند قانون اخلاقی نیز بود . احترام وی از اقدامی که لطمه آزادی انتخابات وارد سازد بحدوسواس میرسید اگر می‌شد بکنفر انتخاب کننده در دوحوزه رأی داده بی‌اغراق لوزه بر اندامش مستولی میشد فکر «تعویض صندوق» یا «قرائت آراء مجهول و موهوم» از مخیله اش خطور نمیکرد . برای قبول ریاست دولت تمایل مجلس شورای ملی را کافی نمیدانست و موافقت افکار عامه را از شرائط اساسی و ضروری میشمرد . ابتکار تأسیس مدرسه سیاسی و مدرسه نظام و تشکیل عدلیه بر طبق قوانین جدید بر مبنای استقلال کامل قضاوت از برجسته ترین یادگارهای او محسوب میشود و بالاخره در ایام عزلت اثری فنا ناپذیر و عظیم‌الظیر به اسم تاریخ ایران باستان به هموطنان معارف دوست و متبوع خویش تقدیم داشته است .

این چنین آدم که نامش میبرم گریستیم تا قیامت قاصر

۳ - میرزا حسین خان پیرنیا مؤتمن‌الملک کسب علوم در مدرسه حقوق و پلی تکنیک پاریس پایه معلومات اولیه وی بود که توانست بعد ها با کثرت

مطالعه و مخصوصاً تلمذ نزد فیلسوف نامی فیلسوف نامی میرزا طاهر تنکابنی خود را به‌اعلی درجه دانش برساند، در ریاضیات و فلسفه کمتر عدیل و همانند داشت مقام علمی باوقار و طمأنینه ذاتی چنان شخصیتی باو داده بود که عموم طبقات سر تکریم در مقابلش فرود می‌آوردند. اعتماد به نفس، رزانت کارا کتر، شجاعت تسلیم ناپذیر، عزم و اراده نامتزلزل از صفات بارز او بشمار میرفت. از کوره آزمایش اجتماعی و سیاسی چون پولاد بیرون آمده و سالهای متمادی بایی غرضی و حسن اداره بر مجلس شورایی ملی ریاست نمود. ما خود از وزیر مختار اسپانیا که در زمان جنگ بیطرف بود شنیدیم که میگفت در پارلمان اروپا هم کمتر رئیسی با اقتدار و مقبولیت عمومی مؤتمن‌الملک دیده میشود. تدوین نظامنامه مجلس و تعیین حدود قوه مقننه با قوه مجریه اثر مساعی او است، مواد آنرا با چنان قدرتی بدون تبعیض اجراء می‌کرد که یکدفعه مجتهدی را به زندان موقت روانه ساخت و خطاب به آیه‌الله دیگر که در رأس طراز اول علماء مجلس شورای ملی قرار داشت گفت «ای آخوند مجلس خراب کن ساکت باش» دفاع تاریخی وی از احترام و مزایای پارلمان در مقابل مقتدرترین قائد آن زمان هنوز از خاطرها محو نشده است.

مردم هزاران دلیل برای دوست داشتن او دارند و هر قدر ارباب قلم مرکب مصرف کنند و خطباء بزاق دهان بکار برند از عهده شمارش خصائل این رجل نامدار بر نخواهند آمد.

در آخر گفتار لازم میدانیم تذکر دهیم که مادر حین اختیار سه تن از مردان بزرگ، بمذلول «اثبات شیئی نفی ماعدا» نمیکند منکر مناقب سایر رجال عظیم‌الشان خود نیستیم و در میان بانیان مشروطیت و پیروان آنها اشخاص برجسته میشناسیم که علامه دهر و نمونه تقوی و عفت و طهارت و میهن دوستی بوده و بواسطه شهامت و فداکاری معبود ملتند اما چون خوشبختانه در قید حیات میباشند از ذکر اسم خودداری مینمائیم تا حمل به ریا نشود و یقین داریم نام نامی ایشان در جریده عالم ثبت و مخلد خواهد ماند.

بعدالتحریر:

برای آنکه رجال فوق‌الذکر را بهتر بشناسانیم شمه از ملاقاتهای سیاسی آنانرا با مراجعه به یادداشت‌های زمان جنگ ذیلاً نقل مینمائیم:

۱ - مستوفی‌الممالک رئیس الوزراء که ۱۸ روز بعد از شروع جنگ

کابینه خود را تشکیل داد در بدو زمامداری با مشکلات گوناگون میان دو دسته دول متخاصم مواجه شد و چون مجلس شورای ملی تعطیل بود برای اتخاذ رویه دولت با برخی از رجال مجرب و بصیر مشورت نمود مخصوصاً ساعت ها با مشیرالدوله و مؤتمن‌الملک در خلوت نشسته و با تصویب ایشان باصدار فرمان ذیل از طرف شاه مبادرت ورزید :

فرمان همایونی راجع به بیطرفی دولت ایران ۱۲ ذی‌حجه ۱۳۳۲ اول

نوامبر ۱۹۱۴

نظر باینکه در این اوقات متأسفانه بین دول اروپا نایره جنگ مشتعل است و ممکنست این محاربه بحدود ممالک ما نزدیک شود و نظر باینکه روابط و دادیه ما بحمدالله بادول متخاصمه برقرار است برای اینکه عموم اهالی از نیات مقدسه ما در حفظ و صیانت این روابط حسنه نسبت به دول متحاربه مطلع باشند امر و مقرر میداریم جناب اجل اشرف افتخام اکرم مهین دستور معظم مستوفی- الممالک رئیس الوزراء وزیر داخله فرمان ملوکانه را به فرمانفرمایان و حکام و مأمورین دولت ابلاغ دارند که دولت ما در این موقع مسلک بی‌طرفی را اتخاذ و روابط دوستانه خود را بادول متخاصمه که امکان حفظ و صیانت مینماید و بدین لحاظ مأمورین دولت را باید متوجه نمایند که نباید وجهان‌الوجوه برأ و بجزراً کمک بهمراهی و یاضدیت هریک از دول متخاصمه نموده یا اسلحه و ادوات حربیه برای یکی از طرفین تدارک یا حمل کنند و باید از طرفداری با هریک از دول متحاربه پرهیز و احتراز نموده مسلک بی‌طرفی دولت متبوعه خود را کاملاً رعایت نمایند و در تکمیل حفظ بی‌طرفی و صیانت روابط حسنه باز آنچه هیئت دولت ما مصحلت داند و بعرض برسد در اجرای مقررات آن امر ملوکانه شرف صدور خواهد یافت .

۱۲ ذی‌الحجه الحرام ۱۳۳۲

مستوفی‌الممالک در همین تاریخ سواد فرمان را در ضمن مراسله رسمی بسفارتخانه های خارجی مقیمین در بار شاهنشاهی ارسال داشت قبل از صدور چنین فرمانی لازم بود از طرفین متخاصمین استمزاج شود با چه شرطی حاضر هستند بیطرفی ایران را محترم شمارند بدین لحاظ علاءالسلطنه وزیر امور- خارجه در روز چهارشنبه ۹ ذی‌القعدة ۱۳۳۲ که روز پذیرائی هفتگی او بود در ضمن مذاکره با عاصم بیک سفیر کبیر عثمانی در تعقیب مذاکرات سابقه

رئیس الوزراء استعمال نمود که اگر دولت ایران بیطرفی خود را اعلام نماید آید دولت عثمانی این بیطرفی را محترم شمرده از اقداماتی که ناقض آن باشد خودداری خواهد نمود یا خیر؟ سفیر کبیر اطمینان داد که هر گاه این بیطرفی رسماً اعلام شود البته دولت عثمانی رعایت آنرا خواهد کرد ولی گفت دولت عثمانی نمیتواند در آذربایجان این نظر را نهد که حضور قشون روس حدود ما را تهدید میکند و این خود ناقض بیطرفی است و مادام که قشون اجنبی در خاک ایران اقامت دارد واضح است که نمیتواند بر رعایت کامل این بیطرفی از طرف روسها مطمئن بود بنابراین نباید دولت ایران منتظر باشد تا وقتیکه اوضاع حاضر در آذربایجان حکم فرما است دولت عثمانی هم تعهدی بر رعایت بیطرفی ایران نموده و حقیقتاً تعهد خود را بموقع اجراء گذارد: در دنبال این مباحثات وزیر امور خارجه روز یازدهم ذی القعدة در باغ بیلاق دزاشوب دعوتی از کارستاوتس وزیر مختار روس و والتر تونلی وزیر مختار انگلیس نمود و با حضور مستوفی-الممالک رئیس الوزراء مذاکرات مفصل بعمل آمد مستوفی الممالک اوضاع فعلی آذربایجان را تشریح و وضع اکراد و هیجانیکه در آنها بوسیله مأمورین عثمانی تولید شده با مشکلاتی که ممکنست بعدها بروز نماید درست بیان و جلوگیری از هر گونه حوادث ناگواری را لازم دانسته تقاضا کرد که برای حصول اطمینان عثمانی ها لازم است دولت روس به مواعید مکرر خود وفا نموده و فعلاً که اوضاع آذربایجان موجب نگرانی نیست قشون خود را از نقاط شمالی ایران بپزند و دولت ایران هم فوراً ولیمهد را بطوریکه سابق مذاکره شده بود به تبریز اعزام و استعداد کافی در آن حدود تشکیل خواهد داد تا از هیجان اکراد که هنوز کسب اهمیت ننموده است جلوگیری شده دولتین روس و عثمانی هر دو از حمله که ممکنست از حدود خاک ایران بخاک یکدیگر شود مطمئن باشند و خاطر نشان نمود که دولت ایران از ابتدای جنگ حالیه اروپا مصمم باعلان بیطرفی بوده و عملاً هم بیطرفی را رعایت نموده است ولی حالاکه حوادث تازه را پیش بینی میکند و ممکنست در حدود خاک این دولت منازعاتی واقع شود مصمم است رسماً این بیطرفی اعلام گردد اما واضح است مادامیکه قشون یکی از دول متخاصمه در خاک این مملکت اقامت دارد اعلان این بیطرفی خالی از اشکال نیست دولت ایران میداند که این بیطرفی در صلاح و صرفه روس و عثمانی است اینست که از دولت روس تقاضا مینماید اجرای این نیت را تسهیل و بواسطه بردن قشون خودشان از آذربایجان رفع بهانه عثمانیها را نموده و محلی برای

تجاوزات آنها باقی نگذارند .

وزراء مختار روس و انگلیس نظر دولت ایران را تصدیق ولی اظهار داشتند بجهت ترتیب میتوان از دولت عثمانی مطمئن شد که بعد از رفتن قشون روس از آذربایجان عساکر عثمانی جای آنها را نگیرد و چه قسم تأمین می دهند رئیس الوزراء در جواب اظهار داشت معلوم است دولت ایران هیچوقت راضی نخواهد بود که قشون خارجی دیگری جای قشون روس باذربایجان بیاید و سفیر کبیر عثمانی بمن قول داده است که در صورت تخلیه ایران از قشون روس بیطرفی ایران را محترم شمارند بدیهی است در موقعیکه جناب عالی باین دولت ایران موافق و مساعد باشید ممکنست از این بابت در اسلامبول هم موافقت حاصل شود بالاخره نتیجه مذاکرات این شده که وزراء مختار خواستار شدند دولت ایران تقاضای خود را کتباً بسفارت روس اظهار نماید .

روز بعد وزیر امور خارجه مراسله در این زمینه بسفارت روس نگاشته سواد آنها بسفارت انگلیس ارسال و اظهار داشت نظر به مساعدتیکه از طرف دولت اعلیحضرت پادشاه انگلستان نسبت بامور ایران میشود مترصد است در موضوع مراسله مزبور نیز از تأیید نظریات دولت ایران مضایقه ننمایند و نظیر این اقدام را بوسیله سفارتین دولت شاهنشاهی در پطر گراد و لندن بعمل آورد بدبختانه مساعی مبذول به نتیجه مطلوبه نرسید و پس از چهار روز یعنی در تاریخ ۱۶ ذی القعدة ۱۳۳۲ پاسخ منفی سفارت روس باین مضمون بوزارت امور خارجه رسید .

دوستانار بانهایت توقیر واحترام در جواب مراسله محترم جناب مستطاب اشرف عالی مورخه ۱۲ شهر حال نمره ۳۱۶۷ زحمت افزا شده بموجب دستور العمل اولیاء دولت اعلیحضرت امپراطوری خاطر مودت مظاهر راقربین استحضار میدارند که احضار قشون روس از آذربایجان فعلاً غیر ممکنست زیرا فقط وجود قشون مزبور میتواند موجبات امنیت اتباع روس و خارجه را فراهم آورد بواسطه عدم وجود قوای دولت علیه ایران این امنیت ممکن الحصول نمیشد و البته اولیاء دولت ایران مسبوق و مستحضرنند که در این اواخر چند فقره اتفاقات ناگوار از طرف اکراد رخ داده است . در این موقع احترامات فائمه را نسبت بجناب مستطاب اشرف عالی تجدید مینماید . کارستاوتس .

با وصول این نامه امید بحفظ بیطرفی ایران مبدل بیأس شد و هر آن وقوع حوادث ناگوار انتظار میرفت و همواره دولت ایران برای جلوگیری از

زیاده‌روی روسها بوزیر مختار انگلیس متوسل میشد و برای ممانعت از تجاوز عثمانیها دست بدامان شارژ دافر آلمان میزد و در حقیقت مصداق الفریق یتشبهت بکل حشیش بود .

۴ - پنجشنبه ۱۱ مارس ۱۹۱۵ بنا به دستور شاه مؤتمن الملک از فراکسیونها تمالشان را پرسید عموماً یعنی از ۷۵ نفر عده حاضر ۷۵ رأی به مشیرالدوله دادند.

ساعت هشت شب شاه مشیرالدوله را خواسته مأمور تشکیل کابینه کرد مشیرالدوله مستقیماً از دربار بدیدن مستوفی الممالک رفت .
یکشنبه ۱۴ مارس ۱۹۱۵ مطابق با ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۳۳ قمری ساعت چهار بعد از ظهر مشیرالدوله وزراء خود را به ترتیب ذیل به مجلس معرفی کرد .

مشیرالدوله رئیس‌الوزراء و وزیر جنگ - مستشارالدوله وزیر داخله - نصرالملک وزیر پست و تلگراف و فوائد عامه - حکیم الملک وزیر معارف - ذکاءالملک وزیر عدلیه - مشارالسلطنه وزیر مالیه - معاون الدوله وزیر امور خارجه .

دوشنبه ۱۹ مارس تلگرافات عدیده از علماء و اهالی بوشهر به جراید تهران رسیده از توقیف مسیولستان قونول آلمان بتوسط انگلیسها اظهار نفرت نموده و جداً اعتراض کرده اند .

سه‌شنبه ۱۶ مارس ۱۹۱۵ ساعت چهار بعد از ظهر فن کاردرف شارژدافر آلمان باتفاق نگارنده در قصر ابیض به ملاقات مشیرالدوله رفتم فن کاردرف اظهار داشت باید بایران تبریک بگویم که شخص دانشمند و وطن خواهی مثل شما مقام ریاست وزراء را قبول نموده‌اید مشیرالدوله صمیمانه تشکر کرد و اصلاحاتی که در نظر گرفته شرح داد . در مالیه میبایستی اول تنسیقاتی داد و دیوان محاسبات را منعقد ساخت پس از آن قانون ۲۳ جوزارالغو نمود اما چون دوام این قانون و اختیارات بلژیکیها بحال مملکت مضر است صبر را جاز نداشتند مصمم شده‌ام در جلسه فردا لایحه موقتی به مجلس شورای ملی پیشنهاد کنم مبنی بر اینکه قانون ۲۳ جوزا فوراً ملغی شود و بجای آن کمیونی مر کب از سه‌الی پنج نفر از طرف مجلس منتخب گردد که حق تقشیش در عایدات و مخارج واداشته باشند (لغو اختیارات مستشاران بلژیکی در بر نامه کابینه مستوفی الممالک

پیش‌بینی شده بود اما بعداً لایحه قانونی آن به مجلس تشدید نگردید).
 در باب مرکزیت قوای دولت در ولایات مشیرالدوله گفت باید ابتدا نیروی
 ژاندارمری و نظمیه را توسعه داد و استعداد نظامی در هر یک از شهرها داشت تا
 اوامر حکومت مرکزی طابق النعل مجری شود و دولت بتواند بیطرفی خود
 را محفوظ دارد فن کاردرف اشاره به قضیه لیستان و واسموس نمود مشیرالدوله
 اظهار تأسف بی‌نهایت کرده وعده جبران آنرا داد ضمناً گفت دیروز تلگرافی
 داشتم که اهالی شیراز ورود مسیو واسموس را باشعف و مسرت فوق‌العاده استقبال
 کرده‌اند.

چهارشنبه ۱۷ مارس ۱۹۱۵ جلسه طولانی مجلس شورایی تا نزدیک
 نصف شب دوام داشت و پس از کشمکش زیاد بالاخره قانون ۲۳ جوزا ۱۳۲۹
 که بموجب آن بلژیکی‌ها در مالیه ایران فعال می‌شاه بودند نقض شده دیپلماسی
 آلمان حرفاً انگلیسی و روسی را مغلوب ساخت (مستشاران بلژیکی درسالهای
 قبل از شروع جنگ تأثیر فوق‌العاده در سیاست داخلی و خارجی ایران داشته
 مخصوصاً در سال ۱۹۱۲ که ژرف مر ناریجای مرگان شوستر به خزانه‌داری کل
 منصوب گردید نفوذ آنها بدرجه اعلی رسید).

سفارت انگلیس این قدام ضدمتفقین را ناشی از تبارنی قبلی منشی سفارت
 آلمان با مؤتمن‌الملک مجلس دانست.

۳- روز یکشنبه ۱۷ ژانویه ۱۹۱۵ فن کاردرف باتقان نگارنده ساعت
 ۱۱ صبح بمنزل مؤتمن‌الملک رئیس مجلس رفتیم. او گفت - آقای مستوفی‌الممالک
 اینجا بودند و رفتند از ریاست وزراء خسته شده‌اند کسالت مزاج و درد معده
 ایشان را صدمه میزند و از ادامه کار اظهار عجز میکنند اما دیروز که باو کلا
 حضور شاه رفته بودیم اعلیحضرت اظهار میل بر ابقاء مستوفی‌الممالک بر ریاست
 وزراء میفرمودند. من خیال دارم خودم بروم نزد آقای مستوفی و ایشانرا
 قدری تسکین داده و تشویق نمایم لکن راجع بوزراء و کلاء بعضی نظریات دارند
 و عقاید خود را به رئیس‌الوزراء خواهند گفت. مؤتمن‌الملک در ضمن صحبت
 اظهار نمود امروز عصر در مجلس جلسه پریها هوئی خواهیم داشت زیرا می‌خواهند
 اعتبارنامه حاج آقا شیرازی را رد کنند.

از من پرسید: بنظر شما رد آن اعتبارنامه در افکار عمومی چه تأثیری
 خواهد داشت گفتم حاج آقا نماینده برجسته و مرد فاضل و با ایمانی است و لکن
 دفاع او از مسیومر نار بلژیکی در اذهان سوء اثر بخشیده مردم اطلاع دارند که

سفارت انگلیس و روس کوشش در ابقاء مرناز به مقام خزانهداری کل مینمایند و هر کس از او دفاع کند متهم به طرفداری متفقین میشود و خود جناب عالی میدانید طرفداری متفقین در نظر ملت ایران مرادف با خیانت به وطن است. این گفتگو به فارسی رد و بدل شد بعد مؤتمن الملك مفاد آنرا بزبان فرانسه برای شاردافر آلمان تکرار کرد مشارالیه تبسم تصدیق آمیزی کرد و شروع بذکر مظالم آن دو دولت در مستعمرات و حتی در مملکت ایران که مستقل است نمود ضمناً اظهار داشت مسیوم نار تلقینات سفارتین را کور کورانه اطاعت میکند، پرداخت حقوق ژاندارمری را با اینکه افسران سویدی حافظ منافع ایران هستند به بهانه بی-پولی عقب میاندازد اما در همان روز مبلغ گزافی به قراقخانه که کاملاً يك اداره روسی است میپردازد.

مؤتمن الملك این بیانات را با دقت گوش میداد و بدون آنکه اظهار عقیده کند گفت: هیچوقت دیده نشده که اکثریت مجلس بامری رأی دهد که مخالفت تمایلات عامه باشد.

کاردرف گفت: من هم کاملاً پی باین نکته برده‌ام و یقین دارم مجلسی که در تحت ریاست جناب عالی قرار داشته باشد جز به خیر ایران رأی نخواهد داد.

این بود خلاصه از طرز کار سه رجل نامدار ایران که تا ایران باقیست نام آنها در سر زبانهاست.

۱۳۴۰ فروردین

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
پرتال جامع علوم انسانی